

بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری بر میزان مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان زلیخا جامعی*

چکیده

انسان شناختی و اصول آن در نگرش اسلامی توجه به اصل مسئولیت و رشد و تکامل آن در انسان است. از سوی دیگر رفتار مسئولانه از شاخص‌های انسان سالم است که تقویت و رشد آن جز با شناسایی عوامل مؤثر بر رفتار مسئولانه امکان‌پذیر نخواهد بود. به همین منظور، پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین و مسئولیت‌پذیری نوجوان انجام شد. روش تحقیق توصیفی و جامع آماری آن دانش‌آموزان دختر دبیرستانی شهر بندرعباس بود. با استفاده از روش نمونه‌گیری خوش‌های تصادفی ۱ نفر از جامعه آماری فوق انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه شیوه‌های فرزند و در دو سطح آمار توصیفی SPSS پروری و مسئولیت‌پذیری استفاده شد. داده‌ها با نرم افزار و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. یافته‌های حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که بین شیوه‌های فرزندپروری و مسئولیت‌پذیری نوجوان رابطه معنادار وجود دارد. طوری که ۲۱ درصد واریانس مسئولیت‌پذیری نوجوانان به وسیله سبک‌های فرزندپروری والدین تبیین می‌شود. انجام مطالعات و بررسی‌های بیشتر در خصوص چگونگی تاثیر گذاری شیوه‌های فرزندپروری بر متغیرهای دیگر و همچنین شناسایی نوع شیوه فرزندپروری والدین، به عنوان یکی از عوامل مؤثر در ایجاد رفتار غیر مسئولانه نوجوان و سپس مداخله در جهت رفع مشکل ضروری بنظر می‌رسد.

کلید واژه‌ها: فرزندپروری، مسئولیت‌پذیری، دانش‌آموزان نوجوان- نهاد اجتماعی ص ۱

*لیسانس آموزش ابتدایی و فرهنگی ناحیه یک بندرعباس، دبستان صنعتی jameei.zoleyxa@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۵/۱۶

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۲/۲۳



مقدمه

خانواده، اساسی ترین نهاد اجتماعی است که دید همه ادیان، مذاهب و مکاتب به عنوان نهادی عالی، بسیار با اهمیت و غیر قابل جایگزین تلقی می شود.

خانواده دارای کارکردهای مهمی، از جمله باز تولید نیروی انسانی، تامین نیازهای عاطفی و سلامت روانی، ارتقای ظرفیت تحمل ومدارا، نقش سازنده در تامین یکپارچگی اجتماعی از طریق جامعه پذیری، تربیت فرزندان، ارائه الگوها، هنجارهای اخلاقی و رفتاری میباشد.

۱. فرزندپروری به روش ها و رفتارهای ویژه گفته می شود که جداگانه بدر عمل با یکدیگر بر رشد کودک تاثیر میگذارند. در واقع پایه و اساس شیوه فرزندپروری و بین تلاش های والدین برای کنترل و اجتماعی کردن کودکانشان است.

۲. شیوه های تربیتی والدین و روش های انضباطی آنان بی تردید تحت تاثیر خصوصیات شخصی و سیستم اعتقادی آنان است. والدین سالم وبالغ در مقایسه با والدین نابالغ و ناسالم و معمول با حساسیت و مهربانی بیشتری به نیازها و اشارات کودکان توجه میکنند که این نوع (فرزندپروری، مشوق امنیت عاطفی، استقلال، توانش اجتماعی و موفقیت و هوشی کودکان است.

۳. والدین سهل گیر و بی بند وبار (غفلت کننده) تصمیم نهایی را در جهت خواسته های کودک یا نوجوان میگیرند و فرزند آزاد است که به خواسته های والدین بی اعتنا باشد.

۴. زمانی که کودک در محیط خانواده سالم، پذیرنده رفتارها و نقش های مثبت باشد، حس مسئولیت پذیری نیز در وی شکل میگیرد همان گونه که اصول انسان شناختی در نگرش اسلامی نیز توجه به اصل مسئولیت، رشد و تکامل آن در انسان دارد.

اصل مسئولیت عبارت است از: افزایش مقاومت فرد در برابر شرایط تا جایی که بتواند با پیروی از فشارهای بیرونی، از الزام های درونی تبعیت کند. این اصل، احساس مسئولیت یا احساس تکلیف نیز ند نامیده می شود.



بحث و بررسی موضوع

این پژوهش با هدف بررسی تاثیر شیوه‌های فرزندپروری والدین بر مسئولیت‌پذیری فرزندان انجام شد. با توجه به نتایج، بین نمره مسئولیت‌پذیری با شیوه‌های آزاد‌گذاری، استبدادی و اقتدار منطقی والدین، رابطه معنی‌داری در سطح اطمینان ۰/۰۱ وجود داشت، همچنین منفی بودن ضریب همبستگی شیوه استبدادی، نشان‌دهنده رابطه معکوس بین مسئولیت‌پذیری فرزندان و شیوه استبدادی والدین بود. در مطالعه شیوه آزاد‌گذاری معنی‌دار نبود؛ یعنی اینکه شیوه آزاد‌گذاری والدین نقش بسیار اندکی در پیش‌بینی‌کنندگی مسئولیت‌پذیری B حاضر، مقدار فرزندان داشت، اما مقدار بتای شیوه‌های استبدادی و اقتدار منطقی معذب‌دار بود؛ بنابراین شیوه استبدادی والدین به صورت منفی و شیوه اقتدار منطقی به صورت مثبت توانستند مسئولیت‌پذیری فرزندان را پیش‌بینی کنند. این یافته‌ها با نتیجه تحقیقات مظلوم (۲۰) که نشان‌داد نوجوانانی که از خانواده‌های مقتدر هستند نسبت به همسالان خود از خانواده‌های استبدادی، سهل‌گیر و یا مسامحه‌گر، از نظر روانی و اجتماعی شایستگی بیشتری دارند، همخوانی داشت. این نوجوانان مسئولیت‌پذیر، انطباقی، خلاق، کنجکاو و دارای اعتماد به نفس هستند. از دیدگاه روانشناسان در میان سبک‌های مطرح شده در غرب؛ روش فرزندپروری مقتدرانه، بهترین و کارآمدترین روش‌های تربیتی است؛ به طوری که فرزندان آن‌ها والدین آن‌ها روش مقتدرانه را به کار می‌برند در مقایسه با فرزندان آن‌ها که والدین آن‌ها روش تربیتی آسان‌گیرانه، مستبدانه و مسامحه‌کارانه استفاده می‌کنند از مهارت‌های اجتماعی و عزت‌نفس بیشتری برخوردارند و نسبت به کودکان و نوجوانان دیگر امیدوارترند (۲۱).

Baumrind در تحقیقات خود به این نتیجه دست یافت که فرزندپروری قاطع نسبت به سایر روش‌ها، بهتر و موفق‌تر می‌باشد (۸). بنابراین شیوه اقتدار منطقی والدین می‌تواند تاثیر مثبتی در احساس مسئولیت فرزندان داشته باشد و هرچه والدین منطقی‌تر رفتار کنند بازخورد رفتارشان در عملکرد مناسب فرزندان، به خصوص در مسئولیت‌پذیری آنها در انجام امور محوله بیشتر دیده خواهد شد در مطالعه خود نشان داد بچه‌هایی که والدین سهل‌گیر دارند اغلب تکانشی و پرخاشگر هستند، به ویژه اگر پسر باشند (۲) Baumrind گرایش به ریاست‌طلبی، خود‌مداری و تمرد دارند. اغلب بی‌هدف بوده و دارای استقلال و پیشرفت بسیار کمی هستند؛ خود‌کنترلی و



اعتماد به نفس در آن‌ها نیز کم بوده و نشانه‌هایی از استقلال و مسئولیت‌پذیری ندارند؛ بنابراین در این خانواده‌ها هیچ ملاک و معیاری برای تربیت کودکان وجود ندارد و اگر هم وجود داشته باشد بنا به شرایط و مقتضیات دگرگون می‌شود. هرج و مرج حاکم بر خانواده و مشخص نبودن ضوابط، پیروی از تمایلات را شدت می‌بخشد و کودک را از برخورد با واقعیت‌های زندگی دور می‌سازد. این کودکان افرادی بی‌بند و بار، سهل‌انگار، خودخواه و بی‌هدف هستند که میزانی برای اعمال و رفتار خود ندارند؛ احساس مسئولیت نمی‌کنند و قادر به زندگی اجتماعی مطلوب نیستند (۱۴). جوانانی که والدین استبدادی دارند در مدرسه عملکرد خوبی ندارند (۱۵). در شیوه استبدادی، والدین قوانین خاصی را اعمال کرده و از بچه‌ها انتظار دارند تا از آن قوانین بدون هیچ توضیحی اطاعت کرد و در مورد اینکه چرا بچه‌ها باید قوانین را اطاعت کنند توضیح کمی می‌دهند (۱۶). این گروه از تکنیک‌های قهری نیز استفاده می‌کنند (۱۷) دریافت والدین قاطع بچه‌هایی دارند که اغلب سازگار، خوشرو، مسئولیت‌پذیر و متکی به خود هستند و جهت‌گیری‌هایشان به سمت پیشرفت است. آن‌ها وقتی به سن نوجوانی می‌رسند، به طور قاطعانه رفتار کرده و خونگرم و اجتماعی هستند (۱۸). در این خانواده‌ها به استقلال فردی تأکید می‌شود، بدین ترتیب هر یک از اعضای خانواده دارای وظایف و مسئولیت‌های متفاوتی هستند؛ از این رو باید تمام اعضای خانواده، با مسئولیت‌پذیری در خانواده بتوانند کارکردهای فردی خویش را انجام دهند تا در نهایت، کارکرد خانواده مختل نگردد. این گونه آموزش‌ها می‌تواند مسئولیت‌پذیری را در فرزندان تقویت کرده و مفهوم اولیه انضباط اجتماعی و عدالت اجتماعی را نیز در آن‌ها پرورش دهد.

روش تحقیق و جامعه آماری

روش تحقیق، توصیفی و از نوع همبستگی است که از دو پرسش‌نامه «مسئولیت‌پذیری» و «محیط خانوادگی» برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است.



جامعه این پژوهش را کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر دبیرستان‌های شهر بندرعباس در سال ۸۶-۸۷ تشکیل می‌دهند که تعداد آنها به ترتیب ۷۰۰ و ۶۵۰ نفر بوده است. با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، تعداد ۱۰۰ نفر از آنان (۵۰ دختر و ۵۰ پسر) انتخاب شدند.

ابزار تحقیق

با توجه به ماهیت موضوع و روش تحقیق، از دو پرسش‌نامه برای گردآوری داده‌ها استفاده شد که در مورد هر یک از آنها توضیح مختصری ارائه می‌شود:

الف. پرسش‌نامه محیط خانوادگی

این پرسش‌نامه توسط نقاشیان در سال ۱۳۵۸ بر مبنای کارهای شيفر در شیراز تهیه شد. پرسش‌نامه مزبور دارای ۷۶ سؤال بسته‌پاسخ بر مبنای مقیاس پنج‌درج‌های لیکرت است که ابعاد مختلف آزادی - کنترل و گرمی - سردی روابط خانوادگی والدین را موردسنجش قرار می‌دهد. ضریب پایایی و روایی پرسش‌نامه توسط نقاشیان ۸۷ درصد گزارش شده است. در پژوهشی که توسط یعقوب‌خانی غیاثوند انجام شد (۱۳۷۲) ضریب پایایی پرسش‌نامه از طریق آلفا و بازآزمایی محاسبه شد که به ترتیب برای بعد آزادی - کنترل ۶۳ درصد و ۷۴ درصد و برای بعد گرمی - سردی روابط ۸۲ و ۹۳ درصد به دست آمد و ضریب پایایی پرسش‌نامه از طریق آلفا و بازآزمایی برای کل پرسش‌نامه به ترتیب ۹۲ و ۸۰ درصد بود. محمدی (۱۳۸۴)، به نقل از صادقی (۱۳۸۶)، در پژوهش خود که آزمودنی‌های آن را دانشجویان تشکیل می‌دادند، ضریب پایایی را از طریق آلفای کرونباخ برای بعد آزادی - کنترل ۷۸ درصد و برای بعد گرمی - سردی ۹۰ درصد به دست آورد. ضریب پایایی این پرسش‌نامه در تحقیق صادقی (۱۳۸۶) برای بعد کنترل - آزادی ۷۸ درصد و برای بعد گرمی - سردی ۹۴ درصد و برای کل پرسش‌نامه ۸۸ درصد به دست آمد. نقاشیان برای تعیین اعتبار پرسش‌نامه از روش اعتباریابی محتوا استفاده نمود. در تحقیق یعقوب‌خانی غیاثوند از روش تحلیل مؤلفه با استفاده از چرخش واریمکس برای تأیید اعتبار عاملی سؤالات به کار برده شد.



نتایج به دست آمده وجود دو بار عاملی را تأیید نمود. برای تعیین چهار محیط خانوادگی، ابتدا میانگین هر یک از ابعاد محبت و کنترل به طور جداگانه محاسبه شد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌ها در سطوح آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در سطح توصیفی از شاخص‌های میانگین و انحراف معیار استفاده شد. در سطح استنباطی، متناسب با نوع داده‌ها، آزمون‌های زیر مورد استفاده قرار گرفت:

در ابتدا به منظور مقایسه توزیع نمره‌های مؤلفه‌های پژوهش با توزیع نرمال، از آزمون کولموگروف - اسمیرنف استفاده شد. نتایج آزمون نشان داد که تمامی نمره‌ها از توزیع نرمال یا هنجار پیروی می‌نمایند. از این رو، برای تحلیل آنها از آزمون پارامتریک t با دو گروه مستقل برای مقایسه نظرات پاسخ‌گویان بر مبنای جنسیت استفاده شد و میزان همبستگی بین دو متغیر شیوه‌های فرزندپروری و مسئولیت‌پذیری از طریق ضریب همبستگی اسپیرمن محاسبه گردید.

همان‌گونه که اشاره شد، تلاش اساسی این مقاله بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری (با توجه به دو بعد آزادی - کنترل و سردی - گرمی) بر میزان مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان بوده است.

۱. تأثیر شیوه والدین موثق جهت دهنده بر میزان مسئولیت‌پذیری: آزمودنی‌هایی که نمره محیط خانوادگی آنها در هر یک از ابعاد بالاتر از میانگین بود، در این دسته جای گرفتند. طبق نتایج حاصله میزان مسئولیت‌پذیری آزمودنی‌های مربوط به این دسته بالاتر از آزمودنی‌های دیگر بوده است. مقایسه نظرات پاسخ‌گویان دختر و پسر نشان داد تفاوت معناداری بین نظراتشان وجود ندارد و تأثیر شیوه والدین موثق جهت‌دهنده بر مسئولیت‌پذیری در میان دو گروه به یک میزان است.

۲. تأثیر شیوه والدین بخشنده بر میزان مسئولیت‌پذیری: آزمودنی‌هایی که در بعد گرمی - سردی بالاتر از میانگین و در بعد آزادی - کنترل پایین‌تر از میانگین بودند، در این گروه قرار گرفتند. طبق نتایج حاصله میزان مسئولیت‌پذیری این دسته از افراد بالاتر از آزمودنی‌های مربوط به شیوه والدین قدرت‌طلب و غفلت‌کننده پایین‌تر از آزمودنی‌های مربوط به دسته والدین موثق جهت‌دهنده بوده است. اما با مقایسه نظرات پاسخ‌گویان دختر و پسر تفاوت معناداری بین نظراتشان وجود ندارد.



۳. تأثیر شیوه والدین قدرت طلب بر میزان مسئولیت‌پذیری: آزمودنی‌هایی که نمراتشان در بعد گرمی- سردی پایین‌تر از میانگین و در بعد آزادی- کنترل بالاتر از میانگین بود، در دسته سوم (والدین قدرت‌طلب) قرار گرفتند. طبق نتایج حاصله میزان مسئولیت‌پذیری آزمودنی‌های مربوط به گروه سوم پایین‌تر از گروه اول و دوم و بالاتر از گروه چهارم بوده است. با مقایسه نظرات آزمودنی‌های دختر و پسر تفاوت معناداری بین نظراتشان مشاهده نشد.

۴. تأثیر شیوه والدین غفلت‌کننده بر میزان مسئولیت‌پذیری: آزمودنی‌هایی که نمراتشان در هر دو بعد کمتر از میانگین بود در محیط چهارم قرار دارند. طبق جدول شماره (۱) میزان مسئولیت‌پذیری آزمودنی‌های این گروه پایین‌تر از تمام گروه‌ها بوده است. با مقایسه نظرات آزمودنی‌های دختر و پسر تفاوت معناداری مشاهده نشد. از این‌رو، تأثیر شیوه والدین غفلت‌کننده میان دو گروه دختر و پسر یکسان بود.

میانگین انحراف معیار

والدین موثق جهت دهنده ۲/۹۳۵ ۲۷۹/۹۲۵۹

مسئولیت‌پذیری ۱/۵۹۳۰ ۱۰۹/۴۰۷۴

والدین بخشنده ۲/۸۴۵۹ ۲۷۹

مسئولیت‌پذیری ۱/۴۸۶۷ ۱۰۴/۸۰۷۷

والدین قدرت طلب ۲/۷۹۱۲ ۲۳۰/۸۷۵۰

مسئولیت‌پذیری ۱/۵۹۰۴ ۹۳/۸۷۵۰

والدین غفلت‌کننده ۲/۵۷۰۴۳ ۲۱۴/۸۶۶۷

مسئولیت‌پذیری ۱/۸۵۰۴ ۶۶/۱۹۳۵

الف) همبستگی سطح معناداری تعداد

ب) آزادی- کنترل و مسئولیت‌پذیری ۱۰۰/۰/۰۱ ۰/۳۳

ج) سردی- گرمی و مسئولیت‌پذیری ۱۰۰/۰/۰۱ ۰/۳۳۴

د) شیوه‌های فرزندپروری و مسئولیت‌پذیری ۱۰۰/۰۰۰ ۱



۵. تأثیر بعد آزادی - کنترل بر میزان مسئولیت پذیری: نتایج حاصله نشان می‌دهد که بین بعد آزادی - کنترل به عنوان یکی از مؤلفه‌های شیوه فرزندپروری و میزان مسئولیت‌پذیری فرزندان رابطه معناداری وجود دارد. مقایسه نظرات پاسخ‌گویان دختر و پسر نشان داد که تفاوت معناداری بین نظرات آنها وجود ندارد و میزان اثربخشی آزادی - کنترل بر مسئولیت‌پذیری میان گروه دختر و پسر یک اندازه است.

۶. تأثیر بعد گرمی - سردی بر میزان مسئولیت‌پذیری: نتایج حاصله نشان داد بین بعد گرمی - سردی و میزان مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود دارد؛ اما مقایسه نظرات پاسخ‌گویان دختر و پسر نشان داد که تفاوت معناداری بین نظرات آنها وجود ندارد و میزان اثربخشی آزادی - کنترل بر میزان مسئولیت‌پذیری میان دو گروه دختر و پسر یکسان است.

۷. تأثیر شیوه‌های فرزندپروری بر میزان مسئولیت‌پذیری: فرضیه اصلی این پژوهش، بررسی تأثیر شیوه فرزندپروری بر میزان مسئولیت‌پذیری بود که مورد تأیید قرار گرفت و بین شیوه فرزندپروری والدین و میزان مسئولیت‌پذیری نوجوان رابطه معناداری وجود دارد؛ اما با بررسی نظرات دو گروه دختر و پسر تفاوت معناداری مشاهده نشد.

طبق نتایج حاصل از این پژوهش، میزان تأثیر انواع سبک‌های والدینی (شیوه‌های فرزندپروری) بر پذیرش مسئولیت نوجوان به شرح زیر است:

۱. شیوه والدین موثق جهت‌دهنده: این نوع والدین به میزان زیادی امنیت و محبت فرزندشان را تأمین می‌کنند، او را آنچه‌چنان‌که هست می‌پذیرند و میزان گرمی - سردی و آزادی - کنترل بالاتر از میانگین است. کودکان این والدین مسئولیت‌پذیرتر از گروه‌های دیگر هستند.

۲. شیوه والدین بخشنده: این نوع والدین به فرزندشان ابراز محبت و حمایت عاطفی می‌کنند و از طرد، خشم، عصبانیت و ابراز نظر منفی نسبت به او خودداری می‌کنند. والدین بخشنده در بعد کنترل پایین‌تر از میانگین هستند و انضباط ملایم بر روابطشان حاکم است. میزان پذیرش مسئولیت فرزندان این نوع خانواده‌ها کمتر از والدین موثق جهت‌دهنده و بیشتر از دو گروه دیگر بود.

۳. شیوه والدین قدرت‌طلب: این نوع والدین عمدتاً فرزندشان را ملزم به رعایت قوانین و دستورات بی‌چون و چرا می‌نمایند. انتظار رفتار بالغانه و انضباط پیوسته یکسان از جمله شاخص‌های این نوع



خانواده است. برای اعمال کنترل بر فرزندشان از تنبیه بدنی استفاده می‌کنند و نسبت به نیازهای آنها بی‌توجهند. میزان پذیرش مسئولیت فرزندان این گروه کمتر از دو گروه قبلی و بیشتر از گروه چهارم است.

۴. شیوه والدین غفلت‌کننده: این نوع والدین به ظاهر ارزش‌ها و خواسته‌های کودک را قبول دارند و به او آزادی بیش از حد می‌دهند. این آزادی توأم با نادیده گرفتن نوجوان و طرد اوست؛ زیرا بیش از آنکه معتقد به رعایت حقوق نوجوان و قبول نظراتش باشند، از قبول مسئولیت در برابر خواسته‌ها و عقاید نوجوان شانه خالی می‌کنند. این نوع خانواده‌ها به خواسته‌ها و نیازهای خود بیشتر توجه می‌کنند و نسبت به فرزندشان احساس مسئولیت کمتری دارند. میزان مسئولیت‌پذیری فرزندان این نوع خانواده کمتر از انواع دیگر بود.

در جهت یافته‌های پژوهش، پیشنهادهای کلی مورد کاربرد به شرح زیر ارائه می‌شود:

۱. بررسی و شناسایی مشکلات ناشی از فقدان یا کاهش میزان مسئولیت‌پذیری نوجوان در موقعیت‌های متفاوت زندگی مانند عملکرد تحصیلی؛ اجتماعی، خانوادگی و مانند آن؛
۲. انجام مطالعات و بررسی‌های بیشتر در خصوص چگونگی تأثیرپذیری رفتار مسئولانه نوجوان از دیگر عوامل خانوادگی، اجتماعی و فردی؛
۳. انجام تحقیقات نیمه تجربی و ارائه برنامه‌های آموزشی و راه‌کارهای درمانی به منظور اصلاح و تقویت رفتار مسئولانه که معلول شیوه فرزندپروری نادرست است.
۴. انجام مطالعات و بررسی‌های بیشتر در خصوص چگونگی تأثیرگذاری شیوه‌های فرزندپروری بر متغیرهای دیگر؛
۵. شناسایی نوع شیوه فرزندپروری والدین، به عنوان یکی از عوامل مؤثر در ایجاد رفتار غیرمسئولانه نوجوان و سپس مداخله در جهت رفع مشکل.

اهمیت و ضرورت تحقیق

اهمیت و ضرورت رفتار والدین و مربیان به طور کلی بزرگترها با نوجوانان و کودکان خود از اهمیت خاصی برخوردار است و آنها هستند که با کنش‌های بهنجار و ناهنجار خویش گاهی سر



نوشت کودکان خود را تغییر می دهند و او را بیراهه می کشانند و یا راه درست زندگی را به او نشان می دهند دانستن این موضوع که فرزندان ما در سنین نوجوانی دستخوش چنین تغییراتی می شود و او باید خود را با تمام این تغییرات هماهنگ کند و به جای ایجاد نگرانی در نوجوانان احساس امید را در او پرورش داد پدر و مادر آگاه و فهمیده محیطی سرشار از محبت و تفاهم را به وجود می آورند و به فرزندان خود فرصت می دهند مشکلات و مسائل دوره‌ی نوجوانی را به آسانی در محیط خانواده حل نمایند والدین با مهر و محبت این حمایت را در نوجوان ایجاد کرده و منجر به ارتقای سلامت روانی کودک و نوجوان می گردد. از آنجا که دانش آموزان از اقشار مستعد و برگزیده جامعه و سازندگان آینده کشور و جامعه خویش هستند، توجه با مسائل آنها تاثیر بسزایی در یادگیری و افزایش آگاهی علمی و موفقیت های تحصیلی و آموزشی آنها خواهد داشت. محیط دبیرستان به خاطر مسائل و چالشهایی که دارد، برای افراد استرس های خاصی را به همراه دارد. بنابراین این مساله نیازمند آن است که فرد سازگاری و مقاومت بیشتری را در برابر مشکلاتی که با آنها مواجه است، داشته باشد. از آنجا که فرد با ورود به دبیرستان با افراد از خانواده های متنوع روبرو می شود، نیازمند آن است که مسئولیت رفتارها و کارهای خود را قبول کنند است. این عوامل باعث می شود که روانشناسان و مشاوران به مسئولیت پذیر بودن دانش آموزان توجه بیشتری نشان دهند. با توجه به اینکه خانواده نخستین و بادوام ترین عامل تاثیر گذار در رشد شخصیت و عملکرد و نحوه تربیت فرزندان می باشد، لذا مهم ترین نقش را در چگونگی رفتار و خصایص بعدی دارد. در واقع این پژوهش در صدد یافتن بهترین روش های تربیتی والدین برای بهبود و افزایش مسئولیت پذیری فرزندانشان می باشد.

اهداف مقاله پژوهی

۱- هدف اصلی

هدف اصلی مقاله مطالعه حاضر بررسی رابطه شیوه های فرزندپروری والدین با مسئولیت پذیری در نوجوانان دختر دبیرستان های شهر بندرعباس در سال ۱۳۹۸ است.

۲- هدف فرعی



هدف مقاله حاضر تعیین رابطه بین سبک مقتدرانه، استبدادی و سهل گیرانه با مسئولیت‌پذیری در نوجوانان است.

۳- فرضیه‌های مقاله

- ۱) بین سبک مقتدرانه و مسئولیت‌پذیری نوجوانان رابطه وجود دارد.
- ۲) بین سبک آزاد گذار و مسئولیت‌پذیری نوجوانان رابطه وجود دارد.
- ۳) بین سبک استبدادی و مسئولیت‌پذیری نوجوانان رابطه وجود دارد.

شیوه‌های مسئولیت‌پذیر نمودن

شیوه آموزش هدف گذار

نگذارید فرزندتان در بی‌هدفی سیر کند. با فرزند خود در مورد اهداف بلند مدت و همچنین کوتاه مدت گفت و گو کنید. برای او زمان بگذارید و همچون یک حامی خردمند برخورد کنید. هر بار که او به یکی از اهداف خود دست می‌یابد و این لذت را تجربه می‌کند، ترشح دوپامین در مغز منتج به افزایش انگیزه برای حرکت به سوی هدف بعدی می‌شود. مراقب هدف‌های نامطلوب باشید؛ این روزها فضای مجازی تبدیل به یک گول بزرگ به ویژه در ذهن نوجوانان شده است. ممکن است فرزند شما نیز تمایل به مشهور شدن در این گونه رسانه‌های اجتماعی داشته باشد و آن را همچون هدفی اساسی ببیند. وظیفه والدین در این مرحله، راهنمایی فرزند در مسیری است که وی را به سوی انتخاب اهداف واقع‌گرایانه و چگونگی دست‌یابی به آنها هدایت کند.

شیوه کمک به مدیریت احساسات عاطفی

به کرات دیده‌اید که برخی افراد با وجود سن بالا همچنان در مدیریت احساسات خود دچار مشکل هستند. ایراد کار چیست؟ عدم آموزش مناسب توسط والدین در دوران کودکی و نوجوانی!



روش سالم مدیریت احساسات را به فرزندان خود انتقال دهید. یکی از فاکتورهای اصلی مدیریت احساسات، آموزش صبر و تحمل است. فرزند خود را از کودکی صبور بار بیاورید. او باید بتواند در شرایط سخت زندگی خود، کنترل رویکردهایش را در دست داشته باشد و از مزایای شکست‌ناپذیری استفاده کند.

یکی از راه‌های افزایش صبوری در فرزندان این است که بر آوردن نیازهای غیر فوری اش را منوط به گذشت زمان کنید: مثلاً برای یک کودک ۴ ساله که اسباب بازی اش را می‌خواهد می‌توان گفت که اول از یک تا ۱۰ بشمار و برای یک نوجوان یک دوره زمانی یک یا چند روزه تعریف کرد.

شیوه تبحر در شرایط اضطراری

یکی دیگر از نمودهای مسئولیت‌پذیری در فرزندان، توانایی آنها برای مقابله با شرایط اورژانسی است. برای مثال آنها باید بدانند که با یک قابلمه آتش گرفته روی اجاق گاز و یا حتی لوله‌های که دچار نشتی شده است، چه کاری انجام دهند! هرچند احتمال وقوع چنین حوادثی آن هم زمانی که هیچ کس برای کمک حاضر نیست بسیار پایین است، اما والدین وظیفه دارند که آنها را به فرزندان خود آموزش دهند. نوجوانی که بدون استفاده از گوشی همراه خود قادر به انجام هیچ کاری نیست، چگونه می‌تواند تبدیل به فردی مسئولیت‌پذیر شود؟

شیوه همکاری در امورات منزل

اگر فرزندان اتاق خواب خود را مرتب نمی‌کنند، نشان‌های ویژه است که از نیاز او به دریافت آموزش‌های بیشتر خبر می‌دهد. توصیه می‌شود از او بخواهید که در کارهای خانه به شما کمک کند. فرزندی که در خانه فقط دریافت‌کننده خدمات است ولی هیچ خدمتی ارائه نمی‌کند، می‌آموزد که در جامعه نیز چنین باشد ولی جامعه یک تفاوت عمده با خانه دارد: زنان و مردان جامعه، پدر و مادرهای فرزند شما نیستند و خدمات یکسویه نخواهند داد و فرزندان در آینده حتماً به مشکل برخورد خواهند کرد.



شیوه مسئولیت‌پذیری مالی در قبال پول توجیبی

با خودتان صادق باشید، آیا هر زمانی که فرزندتان تقاضای پول توجیبی می‌کند به درخواست وی پاسخ مثبت می‌دهید؟ مشکل مقدار پولی که به وی می‌دهید نیست. هر بار که بدون برنامه و در چهارچوب تعیین شده اقدام به این کار می‌کنید، ویژگی مهم مسئولیت‌پذیری را در فرزند خود کمرنگ و کم اهمیت جلوه خواهید داد. این در حالی است که یکی از اساسی‌ترین مهارت‌های زندگی فردی، توانایی مدیریت مالی به شمار می‌رود. فرزندتان از همان سنین کودکی باید آموزش‌های لازم در راستای نحوه پس انداز پول توجیبی‌های خود را دریافت کنند. از کودک یا نوجوان خود بخواهید که هر بار مقدار مشخصی از پول توجیبی خود را کنار بگذارد و خرج نکند. همچنین صورت حساب خرج‌های خود را بنویسد و به شما گزارش کند. در صورت عدم همکاری وی، از پرداخت مجدد وجه نقد به او خودداری کنید.

شیوه مسئولیت در سلامت فردی

بسیاری از کودکان و نوجوانان در معرض ابتلا به اضافه وزن و به دنبال آن انواع بیماری‌ها از جمله امراض قلبی و عروقی هستند. علت نیز چیزی جز عادت‌های غذایی ناسالم نیست. همچنین کم‌ تحرکی، اپیدمی عصر حاضر است که حتی کودکان را نیز فراگرفته است. با فرزندتان درباره مواد غذایی مفید و مضر صحبت کنید و درباره نحوه تغذیه راهنمایی‌اش کنید. حتی اگر لازم باشد، با یک متخصص تغذیه مشورت کنید. او را به یک ورزش مورد علاقه مشغول کنید و از او بخواهید هر روز نرمش کند. اگر فرزندتان تلفن همراه دارد، گاهی اوقات پست‌های حاوی اطلاعات سلامت مناسب برایش بفرستید. از او بخواهید عضو یک کانال مناسب در این باره شود. به او بیاموزید فردی مسئولیت‌پذیر است که «مسئولیت سلامتی خود را بر عهده می‌گیرد».



مسئولیت در قبال دوستان

به فرزندتان درباره معیارهای دوست خوب و سنجش افراد توضیح دهید و به او بگویید که اگر از دوستانش کسی هست که در دوستی شان آسیب می‌رساند، چگونه او را کنار بگذارد. به او بگویید که مسؤول شکل دادن یک گروه دوستان خوب است و نباید اجازه دهد فرد یا افرادی معدل این گروه را پایین بیاورند.

خودتان هم دوردور، حواس تان به گروه دوستان فرزندتان باشد.

شیوه ایجاد فرصت اقدام به حل مشکلات فردی

بسیاری از والدین هر روزه دچار این اشتباه می‌شوند که باید تمام مشکلات فرزند خود را رفع و رجوع کنند. هرچند هم که فرزند سن کمی داشته باشد، باید تلاش برای حل مشکلات به ویژه آنهایی که خود باعث شان شده است را یاد بگیرد. برای مثال اگر کودک یا نوجوان شما در محیط مدرسه با دوست خود و یا یکی از معلم‌ها دچار مشکل شد، به هیچ عنوان در مراحل اولیه مداخله نکنید. به وی اجازه دهید که خود با چالش ایجاد شده دست و پنجه نرم کند. به جای مداخله‌های بی‌مورد و بدون نتیجه که هیچ آموزشی نیز برای فرزند به همراه ندارند، مهارت‌های حل مسأله را به آنها انتقال دهید و برای افزایش تجربه آنها همانند یک راهنما عمل کنید.

شرایطی ایجاد کنید که کودک یا نوجوان شما مجبور به تفکر و استفاده از مهارت‌های خود برای کمک به رفع آن شود. حال می‌توانید بررسی کنید که چه کارهایی از دست آنها ساخته است و در چه زمینه‌هایی نیازمند آموزش بیشتر هستند. گاهی وقت‌ها سوالی مطرح کنید و از او بخواهید درباره اش فکر کند.

شیوه شناخت آشنا سازی با مسئولیتی به نام شغل

درباره شغل‌های مختلف، با فرزندتان صحبت کنید، بی آن که قضاوت ارزشی درباره شان داشته باشید. اکثر کودکان و حتی بسیاری از نوجوانان، فقط چند شغل محدود مثل پزشک، معلم، پلیس،



خلبان و... را می‌شناسند و دنیای ذهنی شان محدود می‌ماند. آشنایی با مشاغل مختلف می‌تواند در کشف استعدادها و آنها بسیار موثر باشد.

علاوه بر این، به کار گماردن نوجوانان مشاغلی که محدود به دوران تعطیلات می‌شوند و بیشتر جنبه آموزشی دارند، گزینه‌های مناسبی هستند. این دسته از مشاغل کوتاه مدت و سبک، نوجوان در سنین مدرسه را با مفاهیم کار، مسئولیت‌پذیری، دریافت حقوق متناسب با فعالیت کاری و چگونگی برخورد با چالش‌های متفاوت در محیط آشنا می‌سازند.

مسئولیت دفاع از حقوق خود

اولین گام در آموزش حقوق به فرزندان این است که حقوق او را در خانه به رسمیت بشناسید و گاهی اوقات، به استناد حقوق او، این شما باشید که کوتاه می‌آیید. در سخن نیز او را با حقوق خود در جامعه آشنا کنید، مثل این که حق اوست که در کلاس سوال پرسد تا آنچه متوجه نشده را کاملاً بفهمد، حق اوست که جمعه‌ها بیشتر بخوابد، حق اوست که از بدن اش را در برابر دست‌دزاری دیگران محافظت کند، حق اوست که اگر کسی ظلمی کرد، به پدر و مادر، معلم، مدیر مدرسه یا پلیس شکایت کند، حق اوست که اگر راننده تاکسی کرایه بیشتری گرفت، اعتراض کند و....

مشارکت در فعالیت‌های انسان دوستانه

از فرزندان بخواهید هر بار بخش کوچکی از پول تو جیبی خود را برای کمک به یک خیریه معتبر و یا فرد نیازمندی که از شرایطش اطلاع دارید، کنار بگذارد. حضور داوطلبانه در فعالیت‌های مدرسه یا کارهای دوستدار محیط زیست و حیوانات یا آموختن چیزی که بلد است به دیگری و... نیز اشکال دیگری از این مهم هستند.



نتیجه گیری

طبق نتایج حاصل از این پژوهش، میزان تاثیر انواع سبک‌های والدینی (شیوه‌های: فرزندپروری) بر پذیرش مسئولیت نوجوان به شرح زیر است:

۱. شیوه والدین موثق جهت دهنده: این نوع والدین به میزان زیادی امنیت و محبت فرزندشان را تامین میکنند، او را آنچنانکه هست میپذیرند و میزان گرمی - سردی و آزادی = کنترل بالاتر از میانگین است. کودکان این والدین مسئولیت‌پذیرتر از گروه‌های دیگر هستند.

۲. شیوهی والدین بخشنده: این والدین به فرزندشان ابراز محبت و حمایت عاطفی میکنند و از طرد، خشم، عصبانیت و ابراز نظر منفی نسبت به او خودداری میکنند. والدین بخشنده در بعد کنترل پایین تر از میانگین هستند و انضباط ملایم بر روابطشان حاکم است. میزان پذیرش مسئولیت فرزندان این نوع خانواده هاکمتر از والدین موثق جهت دهنده و بیشتر از دو گروه دیگر بود.

۳. شیوه والدین قدرت طلب: این نوع والدین عمدتاً عمدتاً فرزندشان را ملزم به رعایت قوانین و دستورات بی چون و چرا مینمایند. انتظار رفتار بالغانه و انضباط پیوسته یکسان از جمله شاخص‌های این نوع خانواده است. برای اعمال کنترل بر فرزندشان از تنبیه بدنی استفاده میکنند و نسبت به نیازهای آنها بی توجه اند. میزان پذیرش مسئولیت فرزندان این گروه کمتر از دو گروه قبلی و بیشتر از گروه چهارم است.

۴. شیوه والدین غفلت کننده: این نوع والدین به ظاهر ارزشها و خواسته‌های کودک را قبول دارند و به او آزادی بیش از حد میدهند. این آزادی توأم با نادیده گرفتن نوجوان و طرد اوست؛ زیرا بیش از آنکه معتقد به رعایت حقوق نوجوان و قبول نظراتش باشند، از قبول مسئولیت در برابر خواسته‌ها و عقاید نوجوان شانه خالی میکنند. این نوع خانواده‌ها به خواسته‌ها و نیازهای خود بیشتر توجه میکنند و نسبت به فرزندشان احساس مسئولیت کمتری دارند. میزان مسئولیت‌پذیری فرزندان این نوع خانواده کمتر از انواع دیگر بود. در جهت یافته‌های پژوهش، پیشنهادها کلی مورد کاربرد به شرح زیر ارائه می‌شود: ۱. بررسی و شناسایی مشکلات ناشی از فقدان یا کاهش میزان مسئولیت‌پذیری نوجوان در موقعیت‌های متفاوت زندگی مانند عملکرد تحصیلی؛ اجتماعی، خانوادگی و مانند آن.



۲. انجام مطالعات و بررسی‌های بیشتر در خصوص چگونگی تاثیر پذیری رفتار مسئولانه نوجوان از دیگر عوامل خانوادگی، اجتماعی و فردی انجام تحقیقات نیمه تجربی و ارائه برنامه‌های آموزشی و راهکارهای درمانی^۳ منظور اصلاح و تقویت رفتار مسئولانه که معلول شیوه‌ی فرزندپروری درست است.

منابع

- بیرامی، منصور، (۱۳۹۳)، کتاب شیوه‌های فرزندپروری، تبریز، نشر دانش.
- کریمی‌نژاد، کلثوم، (۱۳۹۳)، فصلنامه رشد، تبریز.
- غیاثوند، یعقوب، (۱۳۷۲)، کتاب فرزندپروری نوجوانان، شیراز، فصلنامه علمی- تخصصی مدیریت.
- محمدی، اکرم، (۱۳۸۴)، کتابچه تعلیم و تربیت نوجوانان، خرم‌آباد، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.